

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸، صفحات ۱۵-۳۶

مدیریت اجتماعی مناطق روستایی و کاهش فقر: مطالعه موردی روستاهای منطقه حسین آباد غیناب سربیشه

رستم صابری فر، صدیقه قیصاری *

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۴/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۸/۲۴

چکیده

هر چند، فقرزدایی در نواحی روستایی از برجسته‌ترین اهداف بیشتر برنامه‌های تعدیل اقتصادی به‌شمار می‌رود، اما مطالعات انجام‌شده حاکی از افزایش تدریجی فقر روستایی به‌دلیل شیوه‌های نامناسب مطالعه و اجراست. پرسش اصلی این است که «آیا با تغییر شیوه مطالعه و اجرای برنامه‌ها، می‌توان میزان فقر مناطق روستایی را کاهش داد؟». در بیشتر موارد، این‌گونه برنامه‌ها با مشارکت حداقلی افراد و آن هم گروه‌های صاحب قدرت در نقاط روستایی به اجرا درآمده است. مطالعه حاضر، با بهره‌گیری از روش ساپ در منطقه حسین‌آباد شهرستان سربیشه، و با تعیین اهمیت و جایگاه برنامه‌های عمرانی و اجتماعی در تأمین معاش فقرا، به بررسی شیوه‌های مدیریت و مداخله در این‌گونه مناطق می‌پردازد. نتایج بررسی نشان‌دهنده کاهش چشمگیر میزان فقر در پی اجرای برنامه‌هایی است که پس از تهیه و تدوین با روش‌های اصولی و مبتنی بر نظر ساکنان این مناطق اجرا شده‌اند، کاهش‌ی که تحقق آن بیشتر مرهون تنوع‌بخشی به شیوه‌های تأمین معاش بوده است. همچنین، این بررسی نشان می‌دهد که گذشته از تأمین درآمد، باید فراهم‌سازی امکانات رفاهی و بهداشتی این مناطق نیز مورد توجه قرار گیرد.

* به‌ترتیب، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور (saberifar@yahoo.com)، و دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور بیرجند.

کلیدواژه‌ها: مناطق روستایی / کاهش فقر / حسین‌آباد غیناب سریشه (روستاها) / مطالعه موردی.

* * *

مقدمه

در روند رشد و توسعه اقتصادی-اجتماعی جامعه، توجه به عدالت اجتماعی اجتناب‌ناپذیر است و مسلماً برای رسیدن به توسعه پایدار، چاره‌ای جز فقرزدایی نیست؛ زیرا آسیب‌پذیری فرد در جامعه با پیامدهای اجتماعی و اقتصادی منفی همراه است که بر کل جامعه تأثیرگذار خواهد بود (صامتی و کرمی، ۱۳۸۳: ۲۱۴). این در حالی است که طی اجرای برنامه‌های تعدیل اقتصادی و تورم ناشی از آن (محمودی، ۱۳۸۱: ۳۷)، فقر در کل و به‌ویژه در جوامع روستایی به‌شدت افزایش یافته است (غفرانی و همکاران، ۱۳۸۲). واکنش به همین شرایط، در ایران نیز همچون بیشتر کشورهای در حال توسعه، برنامه‌های مختلف عمران روستایی به سمت کاهش فقر و اهداف مربوط به حفاظت محیط زیست جهت‌گیری شد (Tennyson and Zingari, 2006; FAO, 2006). این جهت‌گیری باعث شده است که به اهداف اجتماعی و اقتصادی توجه بیشتری شود و در نتیجه، سرمایه‌گذاری در ارتباط با فناوری‌هایی که به تحقق این اهداف کمک می‌کنند، افزایش یابد (Saberifar, 2009). با این همه، در پاره‌ای از موارد، شیوه‌های کار به‌گونه‌ای بوده است که هزینه‌های مربوط به مدیریت مناطق روستایی را فقرا پرداخت کردند و بهره‌ اصلی را ثروتمندان بردند (Kerr, 2002: 1398). ارتباطات واقعی و بالقوه میان مداخله‌های اقتصادی-اجتماعی در روستاها، مدیریت منابع طبیعی و فقر پیچیده و تا حدی تابع موقعیت‌های مکانی ویژه و مقیاس‌های مورد مطالعه است (Swallow et al., 2006: 367). به‌همین دلیل، مدارک مستند مرتبط با پیوند بین مدیریت مناطق روستایی و فقر تا حدی محدود و نادر است. در عین حال، از آنجا که در آغاز، با اجرای بسیاری از برنامه‌های کاهش فقر در مناطق روستایی، مشکلات این مناطق بیشتر می‌شود، روستاییان با آن مخالفت می‌کنند. از دلایل اصلی این مخالفت آن

است که در طراحی و اجرای برنامه‌های کاهش و یا حذف فقر، به‌جای صرفاً بهبود وضعیت کوتاه‌مدت فقرا، تأمین رفاه بلندمدت آنها در نظر گرفته می‌شود. اما برخی از طرح‌ها که بر اساس شناخت بافت اجتماعی روستاهای مورد نظر و با به‌کارگیری شیوه‌های واقعی مشارکت روستاییان (ارزیابی مشارکتی روستایی) صورت گرفته است، نه تنها با مخالفت روستاییان روبه‌رو نشده بلکه با چنان آثار و ثمراتی همراه بوده است که ساکنان مناطق هم‌جوار نیز متقاضی اجرای آنها شده‌اند.

مقاله حاضر به بررسی ارتباط بین فقر و مدیریت اجتماعی مناطق روستایی در منطقه حسین‌آباد غیناب می‌پردازد. در این تحقیق، فقر به‌مثابه پدیده‌ای مورد توجه قرار گرفته که در طول زمان، پذیرای تحولاتی ویژه است؛ و با توجه به تحولات اجتماعی، اقتصادی و مانند آن، خانوارهای یک محدوده یا قلمروی جغرافیایی شرایطی متفاوت پیدا می‌کنند و برای جابه‌جایی خانوارها در سطوح مختلف فقر و ثروت نیز دلایلی متفاوت مطرح می‌شود که در این مطالعه، بر اساس پویایی زمینه‌های اقتصادی و زیست‌محیطی، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا از این رهگذر، چگونگی و میزان تأثیرگذاری مدیریت اجتماعی مناطق روستایی بر راهبردهای معیشت فقرا آشکار شود.

مدیریت اجتماعی، شیوه‌های تأمین معاش و کاهش فقر

تا دهه ۱۹۹۰ (دهه ۱۳۷۰ شمسی)، تمامی برنامه‌های روستایی و به‌ویژه مدیریت حوضه‌های آبخیز مسئله‌ای مهندسی تلقی می‌شد و از این‌رو، برای مشکلات این قلمرو به‌خصوص در ارتباط با مهار فرسایش خاک، کاهش میزان روان‌آب، جلوگیری از وقوع سیل و افزایش منابع آب زیر زمینی، بیشتر ارائه راه حل‌های فنی مد نظر قرار می‌گرفت. این طرح‌ها و برنامه‌ها نیز بدون توجه به تأثیراتی که بر معیشت افراد، بازدهی مزارع یا عدالت اجتماعی داشت، به مرحله اجرا در می‌آمد (Pretty and Shah, 1999; Johnson and Knox, 2002). بنابراین، بسیاری از این برنامه‌ها نتایجی مناسب در پی نداشتند و به محض توقف پروژه، ابزار، تجهیزات و

حتی آثار و اقدامات ملموس مرتبط با آن از بین می‌رفت و یا به‌شیوه دلخواه روستاییان، مورد استفاده آنها قرار می‌گرفت (صابری‌فر، ۱۳۸۱: ۱۴). بررسی تجربیات برنامه‌های اجرایی در مناطق روستایی نشان می‌دهد که بی‌توجهی به خواست و دانش بومی کشاورزان از عمده‌ترین دلایل شکست این نوع برنامه‌ها بوده است (Kerr, 2002: 1388). به همین دلیل، با تجربیات به‌دست آمده از این شرایط، سعی شده است که مداخله‌های مربوط به توسعه در مناطق روستایی با مشارکت همه‌جانبه ساکنان این مناطق صورت گیرد. در این طرح‌ها، به همان اندازه که به مباحث حفظ منابع طبیعی و محیط زیست توجه می‌شود، موضوعات مربوط به تأمین معاش و کسب درآمد نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد. در شیوه جدید، بر اساس توجه به مدیریت منابع انسانی و اجتماعی هر محل، طرح و پروژه‌هایی در نظر گرفته می‌شوند که گذشته از تأمین نیازها و اولویت‌های اساسی جوامع، با بهره‌گیری از نقاط مناسب ورود به بدنه اصلی بافت اجتماعی، کمترین تنش‌ها و موضع‌گیری‌ها را در پی داشته باشند. در این رویکرد، توجه دقیق به موضوعات اجتماعی و نهادی، بیشترین اهمیت را دارد و از این طریق، سعی می‌شود که ظرفیت‌ها و سرمایه اجتماعی لازم برای اجرای پروژه‌های تعریف‌شده فراهم آید، شرایطی که مسئولیت اصلی اجرا، نظارت و نگهداری طرح‌ها را به‌نوعی بر عهده خود جامعه روستایی می‌گذارد. در روند جدید، به‌جای توجه به افراد قوی و حاضر در همه صحنه‌ها، به مشارکت تمام اقشار به‌ویژه کسانی که تاکنون در حاشیه قرار داشته‌اند، تأکید می‌شود. این شیوه بیشتر معطوف به کهنسالان، مردان جوان و نیز زنانی است که بار اصلی مدیریت خانواده را بر دوش می‌کشند اما هیچ‌گاه نظر آنها مورد توجه قرار نمی‌گیرد (مقصودی و رحیمی، ۱۳۸۷: ۹۸). وقتی اولویت‌های محلی و منطقه‌ای هم‌زمان با مسائل و مشکلات روستاییان مورد توجه قرار می‌گیرد، تحولاتی مثبت و واقعی‌تر به وقوع می‌پیوندد که از پیامدهای جداگانه هر کدام از آنها بسیار بیشتر خواهد بود.

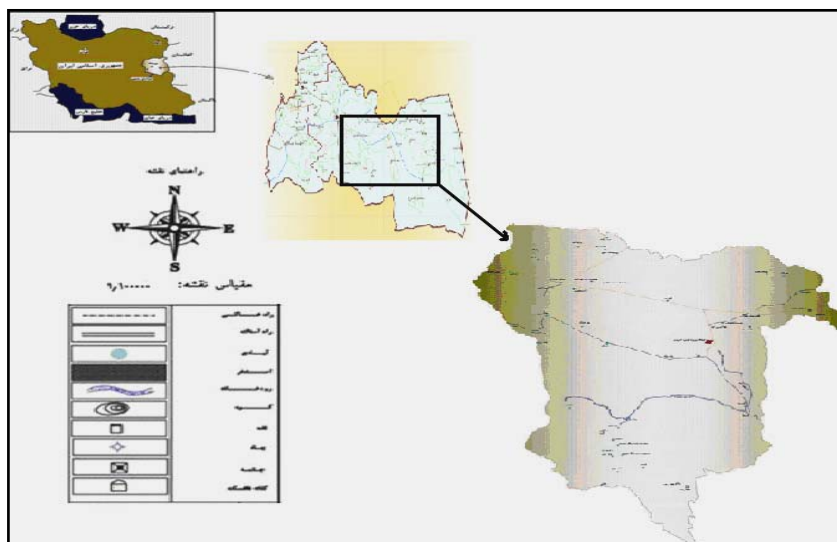
در این میان، باید توجه داشت که هنگام گرفتن نقطه نظرات گروه‌های فقیر، نباید آنها را هم‌سنگ سایر گروه‌های ذی‌نفوذ در مناطق روستایی قلمداد کرد؛ چرا که فقرا به دلایل مختلف، مانند عدم دسترسی به اطلاعات و عدم برخورداری از زمینه‌های لازم، قدرت ورود به مباحث عمومی را ندارند و اساساً از توان چندانی برای نفوذ بر سایر عاملان موجود و کسب منافع لازم برخوردار نیستند.

منطقه مورد مطالعه

دشت حسین‌آباد غیناب، با مساحت ۱۴۴ هزار هکتار، در محدوده سیاسی شهرستان سرپیشه از استان خراسان جنوبی قرار دارد. این حوضه از شمال به دشت پهواز، از جنوب به کوه‌های دوکوله، از غرب به کوه‌های شول سرخ، و از شرق به کوه‌های رضا محدود است (شکل ۱). میانگین ارتفاع این حوضه به ۱۷۰۰ متر می‌رسد. این دشت در معرض فرسایش شدید ناشی از بادهای ۱۲۰ روزه سیستان است که هر ساله، از خرداد تا مهرماه جریان دارد و آسیب‌هایی عمده به پوشش گیاهی، مزارع و محصولات کشاورزی این دشت وارد می‌آورد. همچنین، این منطقه به‌طور جدی دستخوش اثرات خشکسالی درازمدتی بوده که تأثیرات شدید اقتصادی و اجتماعی بر زندگی ساکنان این محدوده به‌جا گذاشته است. در این دشت، حدود ۳۲ آبادی با جمعیتی نزدیک به ۸۰۰ خانوار قرار دارند که شغل اصلی آنها دامداری و کشاورزی است. در این بررسی، با استفاده از معادله کوکران، حجم نمونه ۱۱۵ خانوار تعیین شد که برای افزایش میزان اطمینان، این میزان به ۱۳۰ خانوار افزایش یافت. برای انتخاب نمونه از میان روستاها، نخست، قرار شد که این تعداد در میان تمام روستاها توزیع شود؛ اما با توجه به وسعت زیاد و شمار اندک ساکنان برخی از روستاها، با استفاده از روش تخصیص بهینه، ۱۰ روستا در نقاط مختلف منطقه انتخاب شد و در هر روستا، به‌طور تصادفی، ۱۰ خانوار به‌صورت نمونه مورد پرسش قرار گرفتند. بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که جمعیت محدوده مورد بررسی تا پیش از اجرای پروژه ترسیب کربن^(۱) و تا اوایل دهه ۸۰ همواره در حال کاهش بوده است؛ پس از این مقطع زمانی و با ظاهر شدن

نتایج طرح مورد نظر، روند تحولات جمعیت معکوس شده و آبادی‌های مورد نظر روند افزایش جمعیت را شاهد بوده‌اند (گروه مؤلفان، ۱۳۸۷: ۱۳).

پروژه ترسیب کربن در آوریل ۲۰۰۳، به منظور افزایش میزان کربن ترسیب شده بر اثر کاشت گونه‌های مقاوم در مناطق بیابانی و نیز مدل‌سازی میزان کربن ترسیب یافته در مناطق خشک، آغاز شد (خراشادی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۳). بدین ترتیب، نخستین و مهم‌ترین مشکل پروژه ترغیب مردم به سکونت در منطقه و پذیرش طرح‌ها و برنامه‌های این پروژه بود. این چالش در حالی شکل می‌گرفت که ساکنان منطقه مورد نظر سال‌ها امید و توان خود را برای رسیدن به یک زندگی مناسب از دست دادند و کسانی که توانی برای فعالیت داشتند، منطقه را ترک کرده و راهی شهرها و روستاهای بزرگ‌تر شده بودند. در نتیجه، صحبت از مشارکت و همکاری مردم، دولت و جوامع محلی بی‌معنی می‌نمود. در این شرایط، نه تنها جلوگیری از تخریب مراتع امکان‌پذیر نبود، بلکه گفتگو با مردم دلسرد از همه کس و همه چیز نیز بسیار مشکل در مواردی، غیرممکن به نظر می‌رسید.



مأخذ: یوسفی، ۱۳۸۷

شکل ۱- موقعیت منطقه مورد مطالعه در ایران و شهرستان سریشه

اما نکته بسیار مهمی که متولیان پروژه ترسیب کربن متوجه شده بودند، بسیار اساسی و زیرکانه بود. آنها دریافته بودند که بین فقر و بیابان‌زایی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد (خراشادی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۳). به عقیده آنها، چنانچه جامعه‌ای درگیر حداقل نیازهای اجتماعی و معیشتی خود باشد، طبیعی است که به دیگر مسائل اهمیت نخواهد داد. از این‌رو، اولین اقدامات در راستای افزایش قدرت خرید مردم و بالا بردن سطح رفاه ساکنان منطقه به‌ویژه در دستور قرار دادن مشکلاتی بود که برای مردم اولویت بالاتری داشت. تمامی این اقدامات به‌گونه‌ای صورت می‌گرفت که گرچه مشکلات و تنگناهای زندگی مردم را به‌خوبی مرتفع می‌کرد، اما با جهت‌گیری‌های پروژه هم بی‌ارتباط نبود. برای نمونه، از آنجا که بیش از هشتاد درصد مردم از بوته‌های مرتعی برای پخت و پز و گرما استفاده می‌کردند، ارائه تنورهای گازی و ترغیب روستاییان به بهره‌مندی از آنها اولویتی ویژه پیدا کرد. در کنار تنورهای گازی، بهره‌مندی از آب‌گرم‌کن‌های خورشیدی نیز در دستور کار قرار گرفت. مجموعه این اقدامات باعث شد روستاییان مجربان طرح را به‌صورت کسانی بپذیرند که می‌توانند تحولاتی مثبت را به‌وجود آورند. در پی این پذیرش، حضور و مشارکت ساکنان در جلسات و گردهم‌آیی‌ها به سطحی قابل قبول رسید و طرح‌ها و برنامه‌های برآمده از جلسات مشترک، مورد توجه ساکنان قرار گرفت. اجرای برنامه‌های مورد بحث به ایجاد تحولاتی مثبت به‌ویژه در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی انجامید که تمامی آنها وضعیت فقر منطقه را متحول ساخت. نوشتار حاضر بر آن است که این تحولات را با دقت بیشتری مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

روش تحقیق

برای شناسایی فقر و درک تحولات آن، که با اجرای برنامه‌های دخالت هدفمند و برنامه‌ریزی شده روستایی به وقوع پیوسته، از روش مراحل تغییر (ساپ)^(۲) (Krishna, 2007: 93) بهره‌برداری شده است. در این روش، نحوه شکل‌گیری و علت بروز پدیده فقر به‌طور هم‌زمان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این تحقیق، با توجه به

مشکلات مربوط به زمینه‌های پنهان و نامکشوف ابعاد فقر، بیشتر به تعریف فقر از دیدگاه درآمدی توجه شده است. با آنکه تحول فقر در سطح ملی به آرامی رخ می‌دهد، اما این روند کند بدان معنی نیست که اساساً فقر پدیده‌ای ثابت و بدون تغییر است؛ بلکه این پدیده بر اثر عواملی چون تغییرات فصلی، تحولات اقلیمی، فشارهای وارد شده به خانوار (مانند بیماری، مرگ و میر، و یا طلاق)، تغییرات مربوط به دوران زندگی، و سیاست‌های کلی دچار تغییر می‌شود. معمولاً مدت دوره‌های مورد بررسی متفاوت است و اغلب به صورت ۱۰، ۲۰ و یا ۲۵ ساله در نظر گرفته می‌شود. پس از تشخیص موقعیت هر کدام از خانوارها بر اساس بررسی‌های آماری در این مراحل، جداولی تهیه می‌شود که گروه‌های آنها به شرح زیر است:

گروه الف: خانوارهایی که در گذشته، فقیر بودند و در حال حاضر نیز فقیرند؛

گروه ب: خانوارهایی که در گذشته، فقیر بودند و در حال حاضر، فقیر نیستند؛

گروه ج: خانوارهایی که در گذشته، فقیر نبودند و هم‌اکنون فقیرند؛ و

گروه د: خانوارهایی که در گذشته، فقیر نبودند و هم‌اکنون نیز فقیر نیستند.

در این مطالعه، در مجموع، ۱۳۰ خانوار مورد بررسی و طبقه‌بندی قرار گرفتند. برای آنکه نتایج به کل منطقه قابل تعمیم باشد، توزیع فضایی مکان‌های مورد مطالعه نسبتاً مناسب بود و نمونه‌گیری از تمامی بخش‌ها صورت گرفت، به گونه‌ای که مکان‌های انتخابی به خوبی نشان‌دهنده وضعیت فقر و ناسازگاری‌های مربوط به تأمین معاش باشند. اطلاعات گردآوری شده برای هر مجموعه دربرگیرنده داده‌های کمی روش ساپ (شامل ورود و خروج‌های مربوط به دایره فقر و دلایل اصلی وقوع آن) و نیز داده‌های کیفی به دست آمده از مصاحبه‌های انجام شده با خانوارها و خبرگان محلی، و مشاهدات میدانی گروه مطالعاتی در منطقه بود.

ادبیات تحقیق

در کنار مطالعات متعدد در سایر کشورها، که برخی از آنها در همین مقاله معرفی شده، نخستین بار، نیکی کدی (۱۳۶۰) با مقایسه نتایج دو تحقیق انجام شده - یکی، پیش از

اصلاحات ارضی و دیگری، پس از آن - به مقایسه وضعیت فقر در ایران به ویژه در مناطق روستایی پرداخت. در همین ارتباط، حسین عظیمی آرانی (۱۳۶۲)، با انجام یک بررسی تحلیلی دیگر، اطلاعات کمی دقیق تری به دست داد.

در همین راستا، در ۱۳۶۹، وزارت کشاورزی با اجرای طرح جامع مطالعات مصرف مواد غذایی و تغذیه در کشور، برخی دیگر از ابعاد ناپیدای پدیده فقر را نمایان ساخت (وزارت کشاورزی، ۱۳۶۹). بعدها، برخی از سازمانها (وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۳) و افراد (پژویان، ۱۳۷۳؛ زاهدی مازندرانی و زاهدی عبقری، ۱۳۷۵؛ خداداد کاشی، ۱۳۸۱؛ و عرب مازار و حسینی نژاد، ۱۳۸۳) بدین پدیده علاقه نشان دادند. اما بررسی پدیده فقر به شیوه مراحل تحول در هیچ کدام از این مطالعات مورد توجه قرار نگرفت. بیشتر این مطالعات برای برآورد و تشریح فقر از مدلها و روشهای پیچیده اقتصادی استفاده کرده اند. از این رو، برای درک ساده و جامعه‌شناسانه پدیده فقر، انجام چنین مطالعه‌ای به شیوه مراحل تحول ضروری به نظر می‌رسید.

یافته‌ها

تعریف فقر و مراحل تغییر آن

در این مطالعه، خانوارهای فاقد زمین و یا دارای حداقل زمین، با درآمد کارگری به مثابه منبع اصلی درآمد، دارای خانه‌های با کیفیت پایین، برخوردار از وضعیت نامطلوب بهره‌مندی از بهداشت و درمان و سایر خدمات، و ناتوان از فرستادن فرزندان به مدرسه به دلیل مشکلات مالی فقیرترین خانوارها محسوب شده‌اند؛ و به عبارت دیگر، خانوارهای فقیر شامل خانوارهایی بوده است که زیر پوشش کمیته امداد و یا سازمان بهزیستی بوده و یا شرایط بهره‌مندی از کمک‌های این نهادها را داشته‌اند اما به دلیل تنگناهای مالی و اعتباری این گونه نهادها، از این امکانات محروم مانده‌اند. در این بررسی، ابعاد غیرمادی نیز مورد توجه قرار گرفت. اما بهره‌گیری از اطلاعات و ترکیب آن با داده‌های به دست آمده از بخش‌های دیگر، که تحولات مربوط به فقر را مشخص می‌ساخت، امکان‌پذیر نبود. در حوزه مورد مطالعه، عدم شرکت در فعالیت‌های

اجتماعی در قالب یک شاخص فقر مد نظر قرار گرفت. بر این اساس، بیش از نیمی از خانوارها در گروه فقیرترین خانوارها طبقه‌بندی شدند؛ در حالی که برای سایر خانوارها، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی در قالب یکی از اجزای رفاه مناسب در نظر گرفته شد. از آنجا که دو عامل جنبه‌های مادی و غیرمادی توأمان در پدیده فقر نقش دارند، در عمل، ترکیب این داده‌ها با یکدیگر نشان‌دهنده همبستگی بالای آنهاست و از این‌رو، می‌توان موقعیت خانوارهای مورد مطالعه را در مراحل فقر به‌خوبی تعیین کرد.

در مرحله بعد، اولویت هر کدام از عناصر مورد نیاز در مصرف خانوار درجه‌بندی شد؛ و همان‌گونه که انتظار می‌رفت، تأمین نیازهای اولیه مانند غذا، آموزش، پوشاک و مسکن در تمامی جوامع مورد بررسی در اولین ردیف‌ها قرار گرفت (جدول ۱)، که با نتایج سایر تحقیقات انجام‌شده به‌روشنی هم‌ماهنگی نشان می‌داد (Krishna et al., 2004: 216; 2006: 276). در موارد افزایش رفاه خانوار، رتبه ارقام ارائه‌شده در جدول دستخوش تغییرات زیادی می‌شد. این تغییرات برای جوامعی که بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها در زمینه کشاورزی تخصیص یافته بود، در بخش خدمات (یعنی، آب و برق) دیده می‌شد؛ و برای سایر جوامع، حرکت تغییر رتبه‌ها به سمت کالاهای بادوام بود.

جدول ۱- جایگاه ارقام مصرفی خانوارها در نمونه مورد بررسی

افران مصرفی	رتبه	افران مصرفی	رتبه	افران مصرفی	رتبه
غذا	۱	ابزارآلات برقی	۲۳	فرآوانی	۷
مسکن	۲	بهداشت و درمان	۱۷	رتبه	۸
پوشاک	۳	محصولات	۱۶	افران مصرفی	۹
آموزش	۴	سایر ارقام	۱۷	رتبه	۱۰
دامداری	۵	حمل و نقل	۱۲	افران مصرفی	۱۱
زمین	۶	سپرده‌گذاری	۸	رتبه	۱۲
خدمات (آب و برق)	۷	تفریح و مسافرت	۷	افران مصرفی	۱۳
				رتبه	۱۴

مأخذ: یافته‌های پژوهش

از مجموع ۱۳۰ خانوار مورد بررسی، ۸۸ خانوار اعلام داشتند که به منابع درآمدی کافی برای تأمین نیازهای اساسی خود دسترسی دارند. این شرایط برای دسترسی به آب سالم و بهداشتی، سوخت و منابع تأمین انرژی (مانند منابع گرمایشی) بسیار نامناسب بود که تا پیش از اجرای پروژه ترسیب کربن، بزرگ‌ترین معضل همه ساکنان منطقه تلقی می‌شد اما با اجرای برنامه‌های تدوین‌شده از رهگذر این پروژه، این مشکل تا حد زیادی مرتفع شده است.

با این همه، هنوز هم در بیش از پنج مجموعه از روستاهای مورد بررسی (نزدیک به ۳۸ درصد آنها)، دسترسی به آب مناسب در حد جوامعی است که زیر خط فقر قرار دارند. در سایر مجموعه‌ها، این عامل خواه به صورت یک کمبود عنوان نشده و خواه دارای کیفیتی معادل شرایط بالاتر از خط فقر است. از دلایل مناسب و قابل قبول بودن وضعیت دسترسی به آب آشامیدنی در این جوامع، می‌توان دسترسی مناسب بسیاری از خانوارهای ساکن به منابع آب طبیعی از جمله چاه‌ها، چشمه‌ها و یا شیرهای آب همگانی را یادآور شد؛ همچنین، کیفیت آب‌های نامناسب نیز به وسیله دستگاه‌های تصفیه آب، که با انرژی خورشیدی کار می‌کنند و از طریق پروژه ترسیب کربن ارائه شده‌اند، بهبود یافته است. در مواردی که وضعیت دسترسی به آب در حدی بالاتر از خط فقر قرار دارد، بهبود این‌گونه دسترسی باعث تسهیل امکانات تأمین معاش خواهد شد اما از میزان فقر به طور مستقیم نخواهد کاست. در سه مجموعه (۲۳ درصد)، وضعیت دسترسی به آب در شرایط مرزی و نسبتاً پایین‌تر از خطر فقر است؛ بدین معنی که چنانچه شرایط دسترسی به آب بهبود یابد، حداقل در حد نظری، خانوارها از شرایط فقر خارج می‌شوند. با رتبه‌بندی جوامع از نظر بیشترین تا کمترین مقدار تقاضای آب، سه مجموعه که در سومین رتبه خروج از شرایط فقر قرار داشتند، در مکان‌های سوم، هفتم و یازدهم جای گرفتند. این شرایط نشان‌دهنده نبود الگویی خاص در رابطه با اهمیت آب و سایر عناصر برای سطح دسترسی جوامع به رفاه مناسب است.

همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، می‌توان با کمک به بهبود دسترسی به غذا، آموزش، پوشاک، مسکن، دآمداری‌های کوچک‌مقیاس و یا زمین بهتر، به یاری خانوارهای فقیر شتافت.

پویایی فقر و دلایل تحولات آن

بر اساس نتایج به‌دست آمده از دسته‌بندی خانوارها (جدول ۲)، در ده سال اخیر، تقریباً در تمامی روستاهای منطقه، میزان فقر کاهش یافته است. در دهه ۱۳۷۰، حدود هفتاد درصد خانوارها فقیر و یا دارای نشانه‌هایی از فقر بودند. در دوره ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۷، ۳۹ درصد از این خانوارها از گروه فقرا خارج شدند (گروه ب)؛ اما در همین مدت، حدود سه درصد از خانوارها نیز وارد این عرصه شده و شرایط فقر را تجربه کرده‌اند. البته این شرایط در برخی از آبادی‌ها بسیار متفاوت بوده است. برای نمونه، در آبادی‌های حسین‌آباد، کندرود و سایر آبادی‌ها و واحدهای جمعیتی کوچک، تمامی افراد در فقر به‌سر می‌بردند و به همین دلیل، مهاجرت کرده بودند. اما با اجرای برنامه‌های عمرانی جدید، این گروه به منطقه بازگشته و سطح رفاه خود را به مقداری قابل ملاحظه افزایش داده‌اند. بر این اساس، می‌توان گفت که در این مدت، در رابطه با ارتقای کیفیت زندگی، روستاییان منطقه به پیشرفت‌هایی مهم رسیده‌اند. با این همه، هنوز سی درصد خانوارهای ساکن فقیر به‌شمار می‌روند.

طی دوره مورد بررسی، برای هر کدام از خانوارها، بیش از سه عامل در قالب عوامل تبیین‌کننده تغییر و تحولات مرتبط با فقر تعیین شده است. در مجموع، برای کل خانوارهای مورد بررسی، بیست عامل مختلف مشخص شد (جدول ۳). از این میان، عوامل ذکر شده در ردیف‌های اول (یعنی، در قالب متغیر اصلی و عامل اول) عبارت بودند از: دریافت کمک از سوی دولت (۲۰ درصد)، کیفیت زمین در اختیار (۱۸/۳ درصد)، دریافت کمک از خانواده و دوستان (۱۰ درصد)، راه‌اندازی کار و کسب جدید با حمایت پروژه ترسیب کربن (۸/۳ درصد)، و کارگری (۸/۳ درصد). این نتایج نشان‌دهنده هم‌خوانی کامل با تنوع شیوه‌های تأمین معاش غیر از بخش کشاورزی است.

دلایل گفته شده برای اکثر خانوارها مشابه‌اند و تنها تفاوت در این است که اهمیت محصولات کشاورزی در برخی از آبادی‌ها بیشتر است. در میان خانوارهایی که متغیر مورد نظر را در قالب عامل دوم آورده بودند، باز هم کمک از سوی دولت با ۲۱/۳ درصد در بالاترین جایگاه و پس از آن، کمک از سوی خانواده و دوستان با ۱۷ درصد، کارگری و سپرده‌گذاری هر کدام با ۱۰/۶ درصد، و کشاورزی با ۸/۵ درصد در رتبه‌های بعد قرار گرفته‌اند. در بخش دلیل سوم نیز کشاورزی و کار و کسب جدید هر کدام با ۱۳ درصد و کمک از سوی خانواده، آموزش، دامداری و سرمایه‌گذاری هر کدام با ۸/۷ درصد در مراتب بعد قرار داشتند. به‌طور کلی، وضعیت خانوارهایی که دلایل بیشتری را یادآور شده‌اند، بهتر از خانوارهایی بود که دلایل محدودتری را بیان می‌کردند. این نتایج با فرضیه تنوع‌بخشی و یافته‌های سایر تحقیقات هماهنگی دارد.

جدول ۲- تغییرات پدید آمده در وضعیت فقر خانوارهای ساکن در روستاهای مورد بررسی طی دوره ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۷ (درصد خانوارهای هر گروه)

روستا	مجموع خانوارها	درصد خانوارها			
		الف (فقر به فقیر)	ب (فقیر به غیرفقیر)	ج (غیرفقیر به فقیر)	د (غیرفقیر به غیرفقیر)
حسن کلنگی	۱۸	۳۴	۴۱	۱۳	۱۲
تاج‌میر	۵۱	۲۳	۴۶	۳	۲۸
حسین‌آباد	۷	۳۰	۷۰	۰	۰
نازدشت	۱۶۷	۱۵	۴۶	۸	۳۱
پرنگ	۱۳	۲۹	۵۷	۷	۷
چاه خشکان	۹	۶	۲۲	۰	۷۲
بهامرز	۲۸	۱۵	۴۶	۸	۳۱
کندرود	۴۷	۳۰	۷۰	۰	۰
توتک	۴	۷۵	۲۵	۰	۰
دوغ	۱۵	۲۲	۵۷	۰	۲۱
همت‌آباد	۴۶	۱۷	۶۱	۲۲	۰
چاه ۱	۳۳	۳۴	۴۱	۱۳	۱۲
چاه ۲	۲۸	۱۵	۴۶	۸	۳۱

مأخذ: یافته‌های میدانی

همان‌گونه که انتظار می‌رفت، در بیشتر موارد، دلایل خاص در پیشرفت و یا ورود به وضعیت فقر مؤثر بودند. با جایگذاری متغیرهای فرضی برای خانوارهایی که در ۱۳۸۷، فقیر بودند (عدد یک برای خانوارهایی که دلیلی را ذکر کرده‌اند و صفر برای آنهایی که دلیلی را یادآور شده‌اند)، می‌توان توزیع دلایل برای کاهش فقر را به‌خوبی مشاهده کرد.

بر اساس نتایج به‌دست آمده، با توجه به چگونگی شرایط خانوار نسبت به عوامل زیر، احتمال گرفتار شدن آن خانوار در وضعیت فقر بدین شرح کاهش می‌یابد (جدول ۶): دریافت کمک از سوی دولت (۳۸- درصد)؛ بهبود وضعیت کشاورزی (۳۶/۵- درصد)؛ راه‌اندازی کار و کسب جدید (۳۱/۷- درصد)؛ بهره‌مندی از حقوق بازنشستگی و سایر پرداخت‌های بیمه‌ای (۲۷/۷- درصد)؛ دریافت کمک از سوی دوستان و بستگان (۲۴- درصد)؛ رونق دامداری (۲۲/۷- درصد)؛ و داشتن پس‌انداز لازم و به‌کارگیری آن در زمینه‌های مناسب (۱۷/۴- درصد). در این حال، احتمال طبقه‌بندی یک خانوار در گروه فقرا در ۱۳۸۷، در موارد برخورداری از زمین نامناسب به مقدار ۲۴/۶ درصد، خانوار تازه‌تأسیس ۲۶/۲ درصد، بیماری و یا تصادف ۳۸/۶ درصد، و داشتن مشکلات حقوقی و خانوادگی ۶۵ درصد افزایش می‌یابد.

در برخی از مجموعه‌ها، دلیل اصلی عدم خروج از شرایط فقر عادات نامناسب یا مشکلات خانوادگی است. در عین حال، باید تفسیر این نتایج با احتیاط کامل صورت گیرد، چرا که ممکن است دلیل این شرایط وجود مسائل و مشکلات اساسی باشد که به‌راحتی قابل تشخیص نیست. از سوی دیگر، در این میان، ممکن است اهمیت اندک بیماری نشانگر آن باشد که در این محدوده، ارتباط مستقیم بین فقر و کیفیت آب و دسترسی به خدمات بهداشتی تأثیرگذار بر سلامتی چندان زیاد نیست.

افزون بر شرایط یاد شده، نتایج نشان می‌دهد که فعالیت‌های خارج از مزرعه در داشتن راهبردهای تأمین معاش موفق جایگاهی ویژه دارند. اشتغال‌های خارج از مزرعه، به‌دلیل داشتن شرایطی چون وجود کار و شغل پایدار و درآمد بیشتر، از عمده‌ترین دلایل کاهش فقر تلقی می‌شود. این عامل، به‌همراه تنوع شیوه‌های تأمین معاش و اهمیت جایگاه

دریافت کمک از دوستان و آشنایان، ممکن است نشانگر وجود ارتباط و شبکه‌های اجتماعی نیرومندی باشد که در نتیجه مشاغل خارج از مزرعه، برای افراد ایجاد شده است. اهمیت و تأثیر تحصیلات و مهارت‌آموزی به‌مثابه یکی از عوامل کاهش فقر نیز ممکن است مربوط به ضرورت سطوح مهارتی بالا برای دریافت مشاغل غیرکشاورزی باشد.

جدول ۳- درصد دلایل اصلی تغییر در وضعیت فقر خانوارهای مورد بررسی

دلایل	عامل اول (۶۰ خانوار)	عامل دوم (۴۷ خانوار)	عامل سوم (۲۳ خانوار)	کل (۱۰۰)
کار و کسب جدید	۸/۳	۴/۳	۱۳/۰	۷/۷
کمک از خانواده	۱۰/۰	۱۷/۰	۸/۷	۱۲/۳
منافع غیرمنتظره	۱/۷	۲/۱	۰/۰	۱/۵
آموزش	۱/۷	۴/۳	۸/۷	۳/۸
کمک از دولت	۲۰/۰	۲۱/۳	۴/۳	۱۷/۷
کارگری	۸/۳	۱۰/۶	۴/۳	۸/۵
وام	۰/۰	۲/۱	۴/۳	۱/۵
تصادف / بیماری	۳/۳	۲/۱	۴/۳	۳/۱
خانوارهای بزرگ	۱/۷	۰/۰	۰/۰	۰/۸
خانوارهای کوچک	۰/۰	۰/۰	۴/۳	۰/۸
خانوارهای جدید	۳/۳	۰/۰	۰/۰	۱/۵
کشاورزی	۶/۷	۸/۵	۱۳/۰	۷/۷
دامداری	۱/۷	۲/۱	۸/۷	۳/۱
مدیریت سرمایه	۰/۰	۲/۱	۰/۰	۰/۸
عادات نامناسب	۳/۳	۲/۱	۰/۰	۲/۳
مشکلات خانوادگی	۳/۳	۰/۰	۰/۰	۱/۵
کیفیت زمین	۱۸/۳	۶/۴	۸/۷	۱۲/۳
سپرده‌گذاری	۳/۳	۱۰/۶	۸/۷	۶/۹
بازنشستگی	۵/۰	۲/۱	۴/۳	۳/۸
کارهای اجتماعی	۰/۰	۲/۱	۴/۳	۱/۵
مجموع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های میدانی

جدول ۴- تعداد دلایل بر حسب گروه‌های فقیر (درصد خانوارهای هر گروه)

تعداد دلایل	الف	ب	ج	د
یک	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
دو	۶۵	۹۳	۵۰	۳۸
سه	۱۹	۵۱	۸	۳۸

مأخذ: یافته‌های میدانی

ضریب خی‌دو پیرسونی = ۰/۰۰۰

هر چند، مشارکت اجتماعی از جنبه‌های اساسی تأمین رفاه در روستاهای مورد بررسی برشمرده می‌شد، زمانی که فقر در نخستین مراحل تحلیل ساپ تعریف شد، شمار اندکی از خانوارها این عامل را دلیلی برای فقر و یا پیشرفت آن اعلام کردند. بنابراین، این عامل در تحلیل‌های آماری جایگاه اساسی به دست نیامد، شرایطی که هماهنگ با فقدان اهمیت نسبی موضوعات مدیریت منابع طبیعی در راهبردهای تأمین معاش خانوارهاست. همچنین، این عامل می‌تواند نشانگر توسعه‌اندک نهادهای لازم برای اقدامات جمعی محلی ماهر یا تصمیم‌گیری‌های اساسی در سطوح گسترده باشد. در مجموع، می‌توان گفت که در منطقه مورد مطالعه، تأمین درآمد خارج از مزرعه شخصی از اساسی‌ترین راه‌های خروج خانوارها از فقر به‌شمار می‌رود؛ و در عین حال، بیشتر این‌گونه مشاغل و منابع تأمین درآمد نیز در صنایع مربوط به منابع طبیعی و کشاورزی یافت می‌شود.

به‌طور کلی، با توجه به نتایج به‌دست آمده، می‌توان گفت که ممکن است فقرا از برنامه‌های در حال توسعه مدیریت مناطق روستایی و منابع طبیعی به منافع مستقیم نرسیده و حتی در مواردی (حداقل در کوتاه‌مدت)، آسیب دیده باشند اما چنانچه تغییراتی در شیوه‌های حاکمیتی به‌وجود آید که به اصلاح مدیریت آب و زمین و افزایش سودآوری صنایع وابسته به کشاورزی و منابع طبیعی بینجامد، به‌گونه‌ای که زمینه‌های اشتغال و بازارهای فروش کالاها و خدمات را افزایش دهد، روی هم‌رفته، میزان فقر کاهش پیدا می‌کند. بر این اساس، باید اقداماتی را به مرحله اجرا درآورد که

گروه‌های هدف در شبکه‌ای ایمن قرار گیرند تا بتوانند خود را با تغییرات جدید هماهنگ کنند، بی‌آنکه میزان فقر افزایش یابد.

نگرانی اصلی آن است که در واقع، فقرا دچار وضعیت حاشیه‌ای مضاعف به سر می‌برند؛ زیرا هم از نظر جغرافیایی، در نواحی دوردست قرار دارند و هم به سطوح اصلی تصمیم‌گیری دسترسی ندارند و از این رو، نمی‌توانند واقعاً در اقداماتی که به اجرا در می‌آید، نقش اساسی داشته باشند. این گروه‌ها نه تنها در اقدامات بزرگ و اساسی بلکه حتی در پروژه‌ها و طرح‌هایی محلی که تأثیر مستقیم بر منافع آنها دارد، نادیده انگاشته می‌شوند، زیرا منفعی که فقرا در پی‌آند، بسیار متنوع و متفاوت است. این تفاوت در میان گروه‌های مختلف، که در بخش‌های جغرافیایی خاص یک حوضه زندگی می‌کنند، کاملاً آشکار است. در نتیجه، ضرورت حضور فقرا در نشست‌های چندجانبه انکارناپذیر است. به همین دلیل، فقرا باید به درکی مناسب از موضوعات دارای اهمیت ویژه برسند و با شیوه‌های تأثیرگذاری و قابلیت‌های بالقوه آنها در ارتباط با کاهش فقر آشنا باشند.

جدول ۵- ارتباط دلایل عنوان شده و خانوارهایی که در سال ۱۳۸۷ همچنان فقیر بوده‌اند (تعداد ۶۳).

دلایل	ضریب	خطای استاندارد	z	$P> z $	فاصله اطمینان ۹۵٪	میانگین
کار جدید	-۰/۸۱۹۰	/۲۶۲۶	-۳/۲۴۸۳	/۰۰۲	-۱/۳۳۴	/۱۷۳
کمک خانواده	-۰/۸۸۸۵	/۲۳۳۸	-۳/۹۵۶۳	/۰۰۰	-۱/۳۴۷	/۲۵۳
آموزش	-۱/۳۰۹۳	/۴۵۶۰	-۲/۹۸۸۰	/۰۰۴	-۲/۲۰۳	/۰۸۱
کمک دولت	-۱/۳۲۵۹	/۲۰۶۵	-۶/۶۸۴۱	/۰۰۰	-۱/۸۳۱	/۴۰۹
بیماری	۱/۰۲۶۷	/۴۶۵۰	۲/۳۰۰۹	/۰۲۸	۰/۱۱۵	/۰۶۱
خانواده جدید	۰/۷۰۷۳	/۴۳۵۴	۱/۶۸۶۶	/۱۰۸	-۰/۱۴۶	/۰۵۲
کشاورزی	-۱/۹۰۳۵	/۳۹۵۳	-۵/۰۱۸۲	/۰۰۰	-۲/۶۷۸	/۱۷۰
دامداری	-۱/۰۸۲۸	/۴۴۶۱	-۲/۵۲۹۹	/۰۰۲	-۱/۹۵۷	/۰۷۵
م. حقوقی	۱/۸۱۳۶	/۸۳۲۵	۲/۶۶۵۳	/۰۱۱	۰/۴۳۸	/۰۴۶
کیفیت زمین	-۰/۵۹۹۳	/۲۱۶۲	-۲/۸۸۳۹	/۰۰۶	-۱/۰۲۳	/۲۵۷
پس‌انداز	۰/۸۶۷۹	/۲۴۹۸	-۳/۶۲۳۱	/۰۰۱	-۱/۳۵۷	/۱۸۵
بازنشستگی	-۱/۴۵۷۲	/۴۲۱۱	-۳/۶۰۲۳	/۰۰۱	-۲/۲۸۳	/۰۷۲
مقدار ثابت	۰/۳۲۶۶	/۲۸۱۴	۱/۲۰۷۷	/۲۵۶	-۰/۲۲۵	۰/۸۷۸

مأخذ: محاسبات انجام‌شده بر اساس یافته‌های میدانی

جدول ۶- تأثیر هر کدام از عوامل بر احتمال فقیر ماندن خانواده

تغییرات احتمالی فقر	عامل	تغییرات احتمالی فقر	عامل
۰/۲۲۷۱۷۴	دامداری	۰/۳۸۰۰۱۲	کمک دولت
۰/۱۷۴۱۸۱	پس‌انداز/سرمایه‌گذاری	۰/۳۶۴۷۰۸	کشاورزی
-۰/۲۴۶۵۴	کیفیت زمین	۰/۳۱۶۶۰۸	کار و کسب جدید
-۰/۲۶۲۰۵	خانوار تازه تأسیس	۰/۲۷۷۵۶۵	بازنشستگی
-۰/۳۸۵۸۴	بیمار/تصادف	۰/۲۶۷۴۶۶	آموزش
-۰/۶۴۹۹۸	مشکلات حقوقی	۰/۲۴۰۵۰۱	کمک خانواده

مأخذ: محاسبات انجام‌شده بر اساس یافته‌های میدانی

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که در طول زمان (به‌ویژه پس از برنامه‌های تعدیل اقتصادی)، فقر در نواحی روستایی افزایش یافته است. هر چند، بیشتر برنامه‌های به اجرا درآمده در این مناطق در پی کاهش فقر بوده اما به دلیل شیوه‌های نامناسب مطالعه و اجرا، اکثر آنها به اهداف از پیش تعیین‌شده دست نیافته‌اند. با این همه، وجود برنامه‌های موفقیت‌آمیزی که نه تنها چندان با پیامدهای منفی همراه نبوده بلکه در دستیابی به کاهش فقر روستاییان نقش اساسی داشته‌اند، انگیزه‌ای بود تا بررسی یکی از برنامه‌های موفق در این زمینه (پروژه ترسیب کرین) در دستور کار قرار گیرد. هدف این مقاله بررسی مداخله‌های هدفمند (مدیریت اجتماعی) در تأمین معاش گروه‌های فقیر در منطقه حسین‌آباد غیناب بود. بر همین اساس، سعی شده است تا مشخص شود که چگونه می‌توان فقر را از طریق این نوع مداخله‌ها کاهش داد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که تأمین نیازهای اولیه روستاییان، به همراه تأمین زمینه‌های اولیه کار و کسب در منطقه، عاملی حیاتی برای خانوارهای روستایی مختلف چه فقیر و چه غنی تلقی می‌شود؛ چرا که از رهگذر این اقدامات، می‌توان بر منابع تأمین درآمد خارج از مزرعه افزود. بر این اساس، توجه به راهبردهای متنوع‌سازی شیوه‌های تأمین معاش بهترین

راهکار برای کاهش فقر به‌شمار می‌رود؛ و از این‌رو، خانوارهایی که طی ده سال اخیر، کوشیده‌اند تا شیوه‌های تأمین معاش خود را متنوع سازند و به کارهای خارج از مزرعه روی آورند، در کاهش فقر موفقیت بیشتری داشته‌اند. البته در این میان، اقداماتی که در رابطه با افزایش دسترسی خانوارهای فقیر به سرمایه‌های انسانی و به‌ویژه اجتماعی انجام شده، تأثیر بسیار بیشتری بر کاهش فقر داشته است (جدول ۳). مقایسه این اقدامات با اقداماتی که بر سرمایه‌های مادی و طبیعی بدون ارتباط با سایر منابع تأکید داشته‌اند، نشان‌دهنده تأثیر بسیار بیشتر آنهاست.

در این مطالعه، مشخص شد که ارتباطات بین فقر و مدیریت منابع طبیعی بسیار مهم و اساسی است؛ و همچنین، صنایعی که به ایجاد اشتغال برای فقرا می‌پردازند، به حل و فصل مسائل زیست‌محیطی نیز کمک می‌کنند. بنابراین، توان بالقوه راهبردهای معطوف به مسائل فقر و محیط زیست بیش از راهبردهایی است که یکی از این موارد را بیش از اندازه مورد توجه قرار می‌دهند. این یافته با نتایج مطالعاتی که در رابطه با کاهش فقر به انجام رسیده است (ترکمانی و جمالی مقدم، ۱۳۸۴)، هماهنگی دارد. در عین حال، شیوه‌های مناسب مداخله همچنان از اهمیتی ویژه برخوردارند؛ زیرا در منطقه مورد مطالعه، پیش از پروژه ترسیب کربن نیز اقدامات متعدد در زمینه آبخیزداری به انجام رسیده بود که موفقیتی در پی نداشت. بر این اساس، برنامه‌ریزان، مجریان و سایر کسانی که دخالت در حوزه‌های روستایی از طریق شیوه‌های مدیریتی را دنبال می‌کنند، باید از ارتباط غیرمستقیم فقر و محیط زیست و نیز پیوند آن با نیروی کار، محصولات و خدمات (جدول ۶) آگاه باشند تا بتوانند برنامه‌هایی را طراحی کنند که تا جای ممکن، به کاهش فقر یاری رساند. البته باید این کار با دقت تمام انجام شود، به‌گونه‌ای که با توجه بیش از حد به یک موضوع، به سایر جنبه‌ها تهدید و آسیب وارد نشود. این وضعیت زمانی بهترین شرایط را خواهد داشت که اقدامات مورد نظر از طریق قواعد و ارتباطات زیست‌محیطی انجام شود و تلاش بر ایجاد شرایطی امن برای فقرا باشد تا در کوتاه‌مدت، بر اثر تحولات سیاسی آسیب نبینند. حتی در مواردی که شرایط زندگی مردم به حدی نامناسب است که قادر به تأمین حداقل نیازهای معیشتی خود نیستند،

باید برای مدتی کوتاه اهداف زیست‌محیطی را فدای شرایط اقتصادی و اجتماعی زندگی آنها کرد؛ زیرا عدم اولویت‌بخشی به نیاز ساکنان، حتی در صورتی که خروج آنها را از منطقه مورد نظر در پی نداشته باشد، مردم را در مقابل طرح‌ها و پروژه‌های اجرایی قرار می‌دهد.

در مجموع، با توجه به نتایج به دست آمده، می‌توان گفت که ممکن است فقرا از برنامه‌های مرتبط با توسعه روستایی و منابع طبیعی منافع مستقیم دریافت نکرده باشند و حتی در مواردی (حداقل در کوتاه‌مدت) آسیب ببینند، اما چنانچه تغییراتی در شیوه‌های حاکمیتی به وجود آید که به اصلاح مدیریت آب و زمین و افزایش سودآوری صنایع وابسته به کشاورزی و منابع طبیعی بینجامد، به گونه‌ای که زمینه‌های اشتغال و بازارهای فروش کالاها و خدمات را افزایش دهد، میزان فقر روی هم‌رفته کاهش خواهد یافت.

یادداشت‌ها

۱- پروژه ترسیب کربن دشت حسین‌آباد غیناب، کار مشترک دولت جمهوری اسلامی ایران، برنامه عمران ملل متحد (UNDP) و تسهیلات زیست‌محیطی جهانی (GEF) است. این پروژه از اواسط ۱۳۸۲، در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی، به فعالیت‌های گوناگون در این منطقه پرداخته است. تشکیل ۲۵ گروه توسعه روستایی در سیزده آبادی و صندوق‌های اعتبارات خرد وابسته بدین گروه‌های توسعه از اقدامات عمده پروژه به‌شمار می‌روند. برای بررسی وضعیت پیشرفت پروژه، مطالعه نمونه‌ای در محدوده جغرافیایی منطقه مورد نظر در ۱۳۸۶ به انجام رسید که آبادی‌های نازدشت، دوغ، حسن‌کلنگی، تاج‌میر، شهید اصفهانی، چاه مدرس، کندرود، بهامرز، توتک، همت‌آباد، حسین‌آباد غیناب، پرنک، و چاه‌خشکان را زیر پوشش قرار داد. در این مطالعه، از نتایج همین بررسی بهره‌برداری شده است.

2. stages of progress

منابع

پژویان، جمشید (۱۳۷۳)، «بررسی و توزیع درآمد و الگوی مصرف جامعه‌های شهری و روستایی در طی دوره ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸». *مجله اقتصاد*. سال ۱، شماره ۳.

ترکمانی، جواد و جمالی مقدم، الهام (۱۳۸۴)، «اثرات مخارج عمرانی دولت بر فقرزدایی در مناطق روستایی». *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*. سال ۷، شماره ۴ (شماره پی‌درپی ۲۵).

خداداد کاشی، فرهاد (۱۳۸۱)، *اندازه‌گیری شاخص فقر در ایران*. تهران: پژوهشکده آمار.

- خراشادی‌زاده، غلام‌حسین و همکاران (۱۳۸۶)، «عوامل اساسی برای اجرای توسعه مشارکتی (پروژه ترسیب کرین)». *نشریه اندیشه سبز*. سال ۱، شماره ۲.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد و زاهدی عبقری، ابراهیم (۱۳۷۵)، «روستاییان فقیر و آسیب‌پذیری». *مجموعه مقالات فقر و آسیب‌پذیری روستایی*. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی اقتصادی کشاورزی.
- صابری‌فر، رستم (۱۳۸۱)، *مطالعات اجتماعی و اقتصادی طرح حریم و بستر رودخانه کلات نادر*. شرکت مهندسی مشاور سازآب شرق. مشهد: سازمان آب منطقه‌ای خراسان.
- صامتی، مجید و کرمی، علی‌رضا (۱۳۸۳)، «بررسی تأثیر هزینه‌های دولت در بخش کشاورزی بر کاهش فقر روستایی در کشور». *مجله تحقیقات اقتصادی*. سال ۱۶، شماره ۴ (شماره پی در پی ۶۷).
- عرب‌مازار، عباس و حسینی‌نژاد مرتضی (۱۳۸۳)، *برآورد میزان فقر و شدت آن در گروه‌های مختلف*. تهران: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، وزارت جهاد کشاورزی.
- عظیمی‌آرانی، حسین (۱۳۶۲)، *توزیع زمین و درآمد در آستانه اصلاحات ارضی*. تهران: آگاه.
- غفرانی، حسین و همکاران (۱۳۸۲)، *گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۳*. تهران: مؤسسه فرهنگی ابن‌سینای بزرگ.
- کدی، نیکی (۱۳۶۰)، *روستا‌های ایران قبل و بعد از اصلاحات ارضی*. ترجمه ابراهیم زاهدی عبقری و غلام‌رضا حیدری. تهران: مرکز تحقیقات روستایی، وزارت کشاورزی و عمران روستایی.
- گروه مؤلفان (۱۳۸۷)، *گزارش اقتصادی و اجتماعی، پایش و مانیتورینگ مشارکتی پروژه بین‌المللی (ترسیب کرین)*. کارفرما: سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور. جلد ۲. بیرجند: دانشگاه بیرجند.
- محمودی، وحید (۱۳۸۱)، «اندازه‌گیری فقر در ایران». *فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی*. سال ۶، شماره ۳ (شماره پی در پی ۲۴).
- مقصودی، منیژه و رحیمی، عباس (۱۳۸۷)، «روش ارزیابی مشارکتی روستایی: مطالعه موردی چهار روستا در منطقه آوان از استان قزوین». *فصلنامه روستا و توسعه*. سال ۱۱، شماره ۲. وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۳)، *اشتغال و فقر در جامعه روستایی ایران*. سمینار برنامه‌ریزی مراکز و سکونتگاه‌های روستایی. تهران: وزارت جهاد سازندگی.
- وزارت کشاورزی (۱۳۶۹)، *طرح جامع مطالعات مصرف و تغذیه کشور*. تهران: انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع ایران و مرکز تحقیقات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.

- یوسفی، محسن (۱۳۸۷)، *نقشه سامان عرفی پروژه ترسیب کرین*. بیرجند: اداره کل منابع طبیعی استان خراسان جنوبی، مدیریت پروژه بین‌المللی ترسیب کرین.
- FAO (2006), *The New Generation of Watershed Management Programmes and Projects*. Rome: FAO Forestry Paper 150.
- Johnson, N. and Knox, A. (2002), "Participatory natural resource management in watersheds". *Annals of Arid Zones*. Vol. 40, No. 3. pp.1-20.
- Kerr, J. M. (2002), "Watersheds development, environmental services, and poverty alleviation in India". *World Development*. Vol. 30, No. 8. pp. 1387-1400.
- Krishna, A. (2007), *Subjective Assessments, Participatory Methods and Poverty Dynamics: The stages of Progress Methods*. Chronic Poverty Research Center Working Paper 9. Oxford: Oxford University press.
- Krishna, A. et al. (2004), "Escaping poverty and becoming poor in 20 Kenyan villages". *Journal of Human Development*. Vol. 5, No. 2. pp. 211-26.
- Krishna, A. et al. (2006), "Examining pathways out of and into poverty in 36 villages in Andhra Pradesh". *World Development*. Vol. 34, No. 2. pp. 271-288.
- Pretty, J. and Shah, P. (1999), *Soil and Water Conservation*. London: Intermediate Technology Publications.
- Saberifar, Rostam (2009), *Watersheds Planning and Reducing Poverty*. 2nd International Seminar on Small Catchments. Spain, Palma.
- Swallow, B. et al. (2006), "The challenges of inclusive cross-scale collective action in watersheds". *Water International*. Vol.31, No.3. pp. 361-376.
- Tennyson, L. and Zingari, P. C. (2006), *Preparing for the Next Generation of Watershed Management Programmes and Projects*. Sardinia (Italy): Sassari.